

آینه

انتقاد

فعالیت‌های خطرناک سیاسی

● **محمد کاظمی:** تلاش زود هنگام برای انتخابات آتی مجلس شورای اسلامی علاوه‌بر اینکه خود موجب التهاب جامعه می‌شود، ممکن است اثرات معکوس هم به‌جا بگذارد. مردمی که به سختی امورات روزانه خود را به سرانجام می‌رسانند در برابر آغاز پروژه‌های سیاسی و تبلیغی چه برداشتی می‌کنند جز اینکه آن را جنگ جدید قدرت بدانند و بعضاً همه جناح‌ها را با یک چوب برانند و غدغه‌ی سیاسیون را خارج از دردهای اقشار جامعه قلمداد کنند. مردم با هیچ جناحی عقد اخوت نبسته‌اند و بحق طالب برآوردن حداقل نیازهای خود هستند باین‌حال شاهد نابرابری‌های موجود در میان جناح‌های سیاسی هم هستند. وقتی برای بزرگان اصلاح‌طلب محدودیت ایجاد می‌شود و رسانه ملی محل جولان چهره‌های مختلف یک جناح خاص است و عزیزکرده‌های سیاسی در بیان و عمل خویش آزادی مطلق دارند چرا باید تاوان مشکلات و نارسایی‌های موجود را اصلاح‌طلبان بپردازند و دیگر قدرتمندان با همه برخورداری‌های خود اندک پست‌های انتخابی را هم از آن خود کنند؟

کیمیان

اگر بزرگ نباشد چه می‌شود؟

● **محمد صرفی:** اگر بجام خسارتی ناشی از اشتباهات محاسباتی، دل‌بستن به امضای کِری و متأثرشدن از بازیگری و اشک وندی شرمین باشد که هست، ادامه آن به قیمت کوچک‌تر شدن سفره و جیب مردم، گناهی نابخشودنی است. دولت آقای روحانی بشکل آشکاری استراتژی خود را در این زمینه امید داشتن به خروج ترامپ از کاخ سفید بنا نهاده است و بر این اساس ایران باید به تعهدات خود تحت هر شرایط و وضعیتی عمل کند که برای یک سیاستمدار و دولت، تأسف‌آور و دور از ابتدایی‌ترین اصول تصمیم‌گیری منطقی است. بزرجام عملاً از بین رفته است و مسئله فقط پذیرش با عدم پذیرش این واقعیت از سوی دست‌اندرکاران آن است. زمانی دولت برای تحمیل بزرجام و بستن دهان اندک منتقدان آن در کشور، از مزایای تخیلی و باغ و سیب و گلایی می‌گفت. اینک که تق ماجرا درآمده و مشخص شده همه آن وعده‌ها خواب‌وخیال بوده، در کمال تعجب و در چرخشی ۱۸۰ درج‌ای می‌گویند اگر بزرجام نباشد بیچاره می‌شوید و روزگارتان سیاه! تاکتیک جالبی است و می‌شود هر چیزی را با آن توجیه کرد.

بحروری اسلامی

عبار اخلاق در رسانه ملی

● **مسبح مهاجری:** وقتی دوربین‌های تلویزیون به میان مردم می‌روند باید تمام نظر‌ها‌عم از تأییدی و انتقادی را پخش کنند. پخش گزینشی، قطعاً منعکس‌کننده نظر مردم نیست بلکه نوعی فرار از انتقاد و تأیید نظر خود است. این روش، نه مردم را قانع می‌کند و نه حتی آثار مثبتی در خبرنگاران و فیلم‌برداران تلویزیون می‌گذارد. اینکه بسیاری از مردم متأسفانه به رسانه‌های دیگر روی‌آور می‌شوند و اعتمادشان به رسانه ملی کاهش می‌یابد، به همین دلیل است. هیچ ایرانی غیرتمند و وطن‌دوستی او بی‌اعتبارشدن رسانه ملی خوشحال نمی‌شود. رسانه ملی، محوری‌ترین عامل پیوند اتحاد مردم به یکدیگر و مستحکم‌ترین وسیله همبستگی ملی باید باشد تا بتواند در روزهای سخت و بحرانی، همه را قرارداشتن در چنین جایگاهی به برخورداری از حداکثر اعتبار و اعتماد عمومی نیاز دارد. بالا‌رقتن عبار اخلاق در عملکرد رسانه ملی با صداقت و بی‌طرفی این رسانه رابطه تنگاتنگ دارد. مسئولان صداوسیما برای به‌دست‌آوردن میزان عبار اخلاق در کارنامه خود، نیاز به ددها مقاله و سخنرانی و برگزاری همایش و هزینه‌کردن‌ها ندارند. اینهمه کتاب و مقاله اخلاقی که در کتابخانه‌ها وجود دارد و اینهمه حدیث و سیره که از پیشوایان دینی در مبحث اخلاق نظری و عملی داریم، بهترین شاخص‌ها برای خود را محک‌زدن است.

سنگ

«فشار اقتصادی» عامل دین‌گریزی مردم

● **محسن غرویان:** یکی از مهم‌ترین دلایل دین‌گریزی و دین‌ستیزی برخی اقشار مردم را باید در مشکلات اقتصادی آنها جست‌وجو کرد. امروز میزان دین‌گریزی و دین‌ستیزی در جامعه نسبت به گذشته افزایش پیدا کرده که عمده‌ت‌نیز به فشارهای روانی بازمی‌گردد که بر اساس مشکلات معیشتی بر مردم وارد می‌شود. این مسائل باید توسط روان‌شناسان و جامعه‌شناسان به خود مورد تجزیه‌وتحلیل قرار بگیرد و پیامدهای مشکلات اقتصادی به صورت جدی مورد مطالعه قرار بگیرد. مسئولان باید این نکته را در نظر داشته باشند که هر تصمیمی که آنها برای کشور می‌گیرند به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی مردم تأثیرگذار است. در نتیجه نباید شرایط به شکلی رقم بخورد که مسئولان پیامدهای تصمیمات خود را در نظر نداشته باشند و تصمیماتی اتخاذ کنند که زندگی مردم تحت فشار قرار بگیرد. بدون شک اگر قرار باشد بحران‌های اقتصادی همچنان در جامعه ادامه داشته باشد و راهکار مناسبی برای آنها پیدا نباشد باید منتظر پیامدهای منفی اجتماعی و اخلاقی دردنک آن در جامعه باشیم.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

نقد‌های دیر هنگام اصولگرایان به احمدی‌نژاد

باهنر: احمدی‌نژاد گفت من دولت ژنرال‌ها را نمی‌خواهم



علی‌اکبر باهنر (راست) و احمدی‌نژاد (چپ)

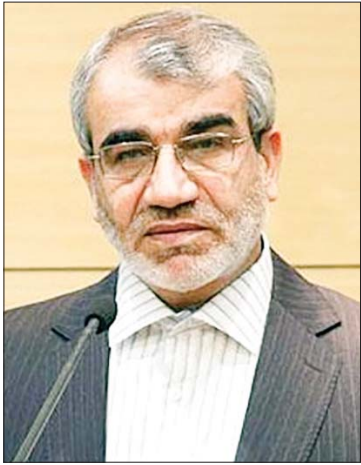
بوسیدند و کنار گذاشتند... ما شاهد بودیم که در آن مناظره انتخاباتی سال ۸۸ برای به‌دست‌آوردن رای چیزی برای وی مطرح نبود. فقط رای برایش مطرح بود و هیچ اخلاق اسلامی را رعایت نکرد و شد آن اقتضایی که همه ما شاهد آن بوده‌ایم». جملات او کلید رمز همه حمایت‌های گذشته حامیان اصولگرای احمدی‌نژاد است که این روزها لب به انتقاد از او گشوده‌اند؛ انتقاداتی که تا پیش از اینکه برخی اصولگرایان را از قطار دولت پیاده کند، مطرح نمی‌شد. آنها بعداً مسائلی را در نقد احمدی‌نژاد مطرح کردند که همان زمان چهره‌های مستقل یا اصلاح‌طلب هم می‌گفتند اما شنیده نمی‌شد؛ نقدهایی که لزوماً ربطی به ماجرای «جریان انحرافی ندارد». مثلاً همین احمد کریمی‌اصفه‌انی گفته است «مشکل احمدی‌نژاد» نداشتن ثبات شخصیتی بود، وزرای خود را که انتخاب خودش بودند قبول نداشت. همه تحت امر او بودند و هیچ‌کس جرئت نداشت در مقابل خواسته او بایستد. آقای احمدی‌نژاد تقریباً همین حالت را داشت». همه این گفته‌ها و ددها نقد مشابه دیگر نه در دولت نخست احمدی‌نژاد مطرح بود و نه حتی در سال‌های نخست دولت دوم او...

حسین شرعبعمداری در اردیبهشت ۹۲ در کیهان نوشت: «این‌روزها برخی دست‌اندرکاران دولت‌های موسوم به سازندگی و اصلاحات با استناد به برخی از ایرادهای جدی و مواضع غیراصولی دولت آقای احمدی‌نژاد که در دو سال گذشته بروز و ظهور داشته است، زبان به طعنه‌ان اصولگرایان و توده‌های عظیم مردمی که به وی رای داده و از او حمایت کرده بودند، گشوده و ادعا می‌کنند حق با آنها بوده است که از ابتدا با ریاست‌جمهوری

نشست «ایران و لوایح چهارگانه (FATF)» در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد

محمد صادقی: شورای نگهبان وارد کار کرد مجمع شده است

عباسعلی کدخدایی: شورای نگهبان جای مجمع و مجلس ننشسته است



وظیفه شورای نگهبان دفاع از شرع مقدس است؛ اما اگر این مصوبات در مجمع تشخیص تصویب شد، به طور اولی، شورای نگهبان هم آن را می‌پذیرد». محمود صادقی نیز در این نشست گفت: «مطابق توصیه‌های FATF باید چهار اقدام در حوزه قانون‌گذاری تا بهمن ۹۶ انجام می‌دادیم که شامل اصلاح قوانین مبارزه با تأمین مالی تروریسم و پول‌شویی و همچنین عضویت در کنوانسیون پالرمو و CFT می‌شود».

او با بیان اینکه CFT کنوانسیونی است که در سازمان ملل متحد تصویب شده و از سوی FATF تصویب نشده است، عنوان کرد: «CFT» یکی از استانداردها و سنجه‌های FATF است. در حوزه تجری نیز این کنوانسیون یک سند همکاری بین دولت‌ها بوده و گزارشی شده است که کشورهایی که با یکدیگر اختلاف دارند، از این سند برای دستیابی به هدف خود سوءاستفاده کنند؛ برای مثال پاکستان و هند یا مراکش و الجزایر و رژیم اسرائیل و کشورهایی عربی توانسته‌اند از این سند علیه دیگری استفاده کنند». کدخدایی با بیان اینکه دستگاه تربیت مدرس با بیان اینکه قطع‌نامه ۱۳۷۲ که تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل تصویب شده، اجرای این کنوانسیون را از سوی کشورها الزامی کرده است، افزود: «تصویب‌نگردن این کنوانسیون به معنای همکاری کشورها با تروریسم است و پیوستن به این کنوانسیون اتهامات آمریکایی علیه ایران را رد می‌کند. نیپوستن ایران به آن موجب ولایت اتهامات آمریکایی علیه ایران و توجیه‌یافتن تحریم‌ها می‌شود». محمود صادقی با تأکید بر اینکه ایران خود قربانی تروریسم است، گفت: «ما می‌توانیم در همکاری و مناسباتی که با کشورهای این کنوانسیون داریم، از آن برای استرداد تروریست‌ها یا مبارزه با تأمین مالی گروه‌های تروریستی استفاده کنیم و از کشورها بخواهیم تروریست‌ها را به ما استرداد کرده یا آنها را محاکمه کنند».

او با بیان اینکه مهم‌ترین مسئله اختلافی میان مراجع ذی‌ربط درباره شرط‌پذیری این سند است،

عنوان کرد: «در هیچ‌جای این کنوانسیون نیامده است که این سند شرط‌پذیر نیست. ۶۳ کشور هم حق شرط گذاشته‌اند از این کنوانسیون هم حق شرط

احمدی‌نژاد مخالفت کرده بودند و با حالتی عوامانه ادای افراد هوشمند و اهل‌بصیرت! را درمی‌آوردند و این ترجیع‌بند را علیه اصولگرایان تکرار می‌کنند که «دیدید حق با ما بود؟؟» در ادامه هم برخی اقدامات دولت احمدی‌نژاد یا ویژگی‌های فردی منسوب به رئیس دولت مانند سفرهای استانی، ساده‌زیستی یا سرلوحه قراردادن گفتمان امام و انقلاب را برشمرد و با اشاره به اینکه کدامیک از این امتیازات برجسته دولت نهم که به نمونه‌هایی از آن اشاره شد، قابل‌انکار است؟! این‌طور نتیجه گرفته بود که اگر به ۸۸ و ۸۴ بازگردند باز هم به همین شخص رای خواهند داد. کیهان حتی به ویژگی‌های منفی دولت سابق که بعدها از سوی برخی اصولگرایان مطرح شد، اشاره هم نکرده و صرفاً نوشته بود« اصولگرایان به آن بخش از مواضع و عملکرد دولت آقای احمدی‌نژاد اعتراض و انتقاد دارند که از اصول و مبانی اسلام و انقلاب منحرف شده و به مواضع و عملکرد دولت‌های سازندگی و اصلاحات نزدیک شده است».

آنچه فراموش می‌شود

آنچه قرار است در حافظه تاریخی اصولگرایان فراموش شود، این است وقتی که سال ۸۴ محمود احمدی‌نژاد کلید پاستور را از سیدمحمد خاتمی تحویل گرفت، آنها خود را فاتح دولت و پیروز انتخابات می‌دانستند. احمدی‌نژاد با حمایت مجموعه اصولگرایان کلید شهر تهران را در دست گرفت. فهرست انتلاف آبادگران که برنده انتخابات شورای شهر تهران شده بود، از میان گزینه‌هایش احمدی‌نژاد را انتخاب کرد و این انتخاب با استقبال سایر جریان‌های اصولگرا مواجه شد و در دوران مدیریت دوساله‌اش بر شهر تهران هم از حمایت مخفی جریان اصولگرایی و رسانه‌هایشان برخوردار بود. برخی گزارش‌هایی که درباره اقدامات احمدی‌نژاد در رسانه‌های چاپی و حتی صداوسیما منتشر می‌شد، یک ریزتازِ آگهی تمام‌وکمال بود.

اختلافات از زمانی آغاز شد که رئیس سابق دولت بعد از پاستورنشینی، یکی یکی وزیران شش‌دانگ اصولگرا را از دولت پیاده کرد. از میان اصولگرایان، وزیریرامانه نخستین وزیر بود که نتوانست همکاری‌اش با دولت احمدی‌نژاد را تا انتها ادامه دهد. پس از او داوود دانش‌جعفری، وزیر اقتصاد احمدی‌نژاد، نیز نتوانست احمدی‌نژاد را تحمل کند و در سال ۱۳۸۷ استعفا داد و در جرگه منتقدان احمدی‌نژاد قرار گرفت. وزیران اطلاعات و فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز هشت روز مانده به پایان دوران وزارتشان عزل شدند.

را پذیرفته است. از طرفی، اعتراض به حق شرط به معنای بی‌اعتباری آن نیست و براساس کنوانسیون معاهدات وین، اگر کشوری به حق شرط اعتراض کند، مفاد آن ماده اجرایی نمی‌شود». نماینده مردم تهران با بیان اینکه پیوستن به هر معاهده‌ای آگاهانه است و کشورها می‌توانند شروط خود را داشته باشند، گفت: «درخصوص ماده شش این کنوانسیون که درباره تروریسم است، در همه اسناد مربوط به تروریسم تکرار شده و همه مقامات ما هم گفته‌اند که همه اشکال تروریسم محکوم است».

هیج اجماعی درباره تروریست‌بودن حزب‌الله و حماس وجود ندارد

صادقی درباره مکانیسم حل اختلافات یادآور شد: «این کنوانسیون حق دآوری را به دیوان لاهه ارجاع داده است، ولی خود کنوانسیون کشورها را برای حق تحفظ مختار کرده است. مفاد این کنوانسیون در قطع‌نامه ۱۳۷۲ سازمان ملل درج شده است. اگر عضو این کنوانسیون هم بنایشم باید به مفاد آن قطع‌نامه ملزم باشیم». عضو فراکسیون امید، با تأکید بر اینکه اساسا ایران از کشورهایی است که بیشترین مبارزه با تروریسم را دارد، بیان کرد: «ایران بیشترین تقابل را با داعش، القاعده و النصرة و شریان‌های مالی‌اش دارد، ولی در دنیا به‌گونه‌ای تبلیغ می‌شود که ایران حامی تروریست‌هاست. جای تأسف است که هزینه زیادی برای مبارزه با تروریسم می‌پردازیم، ولی این‌گونه تبلیغ می‌شود که حامی و همکار تروریست‌ها هستیم».

او با بیان اینکه هیچ اجماعی درباره تروریست‌بودن حزب‌الله، حماس و... که ایران با آنها همکاری دارد، وجود ندارد، گفت: «تنها اجماع درباره داعش، النصرة، بوکوحرام و القاعده است. برخی از این گروه‌ها مانند حزب‌الله عضو پارلمان لبنان هستند و با لبنان در کارگروه منطقه‌ای همکاری می‌کنند. حتی سوریه که زمین منازعه است، جزء کشورهای پرسرک نیست و همکاری‌هایی دارد، ولی ایران در کنار کره‌شمالی جزء کشورهای پرسرک نیست، زیرا منافع ملی ایران تحت‌الشعاع رقابت‌های سیاسی قرار می‌گیرد».

رئیس فراکسیون شفافیت با بیان اینکه مجلس مفاد برخی از اعلامیه تفسیری را در ماده‌واحد آورده است، افزود: «البته الزاماتی از سوی مجلس برای دولت اضافه شد؛ از جمله آنها تيص‌های گذران خود و خوراک کند؟ از خود می‌پرسیدم این جماعت در دو، سه ماهی که اینجا بودند و روزی دو هزار تومان خرج خورد و خوراک آنها شد، آیا در فقر مطلق کالری به سر نمی‌بردند؟ آیا حداقل حرمت انسانی آنها در کشوری که خانواده همه نعمات انسانی دلاری را در خاک آن به ودیعه گذاشته ا‌ری داشته می‌شود؟ باید فکری به حال مناطق توسعه‌نیافته کشور کرد. صحبت از اینکه فلان کشور و گروه باعث انحراف جوانان منطقه شده است ساده است؛ باید از خود پرسید برای اینان چه کردیم تا به راه خلاف کشیده نشوند؟

صلحت و منافع ملی نیست».

ادامه از صفحه اول

صحبت‌کردن کافی است

کافی است کمتر از یک ساعت پرواز به آن سوی آب‌های خلیج فارس داشته باشیم و رونق کسب‌وکار و ساخت‌وساز را ببینیم و انبوه کارگران مصری، پاکستانی، افغانستانی، بنگلادشی، هندی و دیگر ملیت‌ها را مشاهده کنیم. اما این سوی آب در فصل برداشت محصولات باغات کشاورزی است که تعدادی کارگر از منطقه چابهار و حوالی آن جذب کارگاه‌ها و باغات می‌شوند درحالی‌که منطقه آزاد چابهار قابلیت جذب مییاردها دلار و به تبع آن جذب صدها هزار کارگر را دارد اما اجازه داده نمی‌شود از فرصت سرمایه‌گذاری خارجی بهره گرفته شود. مدیرعامل سازمان منطقه آزاد چابهار اخیرا با اشاره به تمایل و درخواست سرمایه‌گذاری چینی‌ها در حوزه پتروشیمی و دارو گفته است که سال گذشته ۶۰ میلیون دلار سرمایه خارجی جذب شد. او تأکید کرده از دو دهه قبل فضای اقتصادی دنیا به سمتی رفته که ارزش نهاده‌های تولید در طبیعت تمام شده، تغییر کرده و هزینه حمل‌ونقل اهمیت ویژه‌ای یافته و برای سازمان‌ها و شرکت‌ها دسترسی به مناطق فعالیت برای کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل، اهمیت کلیدی یافته است. می‌دانیم دسترسی منطقه آزاد چابهار به منطقه خاورمیانه و خاشیه خلیج فارس و حتی کشورهای مشترک‌المنافع CIS می‌تواند انگیزه مهمی برای فعالیت شرکت‌ها باشد که پشتوانه جمعیت ۸۰۰میلیون‌نفری دارند. استفاده از چابهار می‌تواند در کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل مؤثر باشد. او در گفت‌وگوی خود با «شرق» اعلام کرده مجیم بالایی از این می‌تواند به بهترین هزینه در این مسیر جابه‌جا شود. کافی است با تکیه بر داده‌های همین گفت‌وگو به مظلومیت منطقه چابهار و محرومیت ساکنان آن نواحی توجه شود. منطقه‌ای که سال‌ها جزء مناطق آزاد است، ساحل زیبایی دارد که در دنیا نمونه است. جمعیت هدف ۸۰۰میلیونی به گفته رئیس منطقه آزاد چابهار می‌تواند از این منطقه استفاده کند و ۹ درصد از تجارت جهان با بهترین مسیر از این ناحیه می‌تواند بگذرد اما چرا وضع چابهار و جوانان آن به گونه‌ای است که با تأسف عده‌ای هر چند اندک از آنان جذب گروه‌های معاند می‌شوند. با ددها کارگر از منطقه چابهار در فصل برداشت محصول سروکار داشتیم. جوانی که چندسالی به‌خاطر حمل مواد مخدر در زندان بود و بعد از آزادی بی‌کاری، می‌گفت نمی‌خواهم پشت میله‌ها باشم و خانواده‌ام اسیر شوند. می‌گفت چندین کیلو مواد مخدر را نزدیک پایگاه کول کرتقم و از بیراهه آن طرف پاسگاه برم اما گیر افتادم. درحالی‌که از همین مسیر روزانه صدها نفر بی‌مدرک به وسیله قاچاق‌برها تردد می‌کنند و گیر نمی‌افتند. معتقد بود حمل‌ونقل و قاچاق مواد مخدر الکوی ویژه خود را دارد و در آن دایره امثال من زود حق حذف می‌شویم. کار دیگری هم نیست؛ دو ماهی که فصل برداشت بود، جمعا ۶۰ تومان خرج خورد و خوراک او و دیگر کارگران شد. رسم است نان خالی و صبحانه را کارفرما در فصل برداشت محصول مجانی به کارگران می‌دهد. کارگری که باید روزی هشت ساعت در گرمای تابستان کار طاق‌فردا کند، تنها روزی دو هزار تومان خرج خوراکش شده بود، می‌گفت با میوه ، سبزی، گوجه، خیار و بادمجان سرس می‌کنیم که در مزرعه هست و حقوقمان را پس‌انداز می‌کنیم برای خانواده؛ کار دائمی که نیست؛ شانس بیاوریم یکی، دو ماه دیگر هم کار پیدا شود. چه توفیقی از جوانان این مناطق داریم؟ وقتی همه امکانات بالقوه را طبیعت و جغرافیای منطقه در اختیار گذاشته است، وقتی کردیم کار طاقت‌فرسا هند با افغانستان کرد. نیروی انسانی این نواحی به جرئت می‌گویم از پرتلاش‌ترین نیروهایی هستند که در کارفرما به آنها نیاز دارد. چرا باید جوان این مناطق کشور از سر استیصال به قاچاق روی بیاورد و به گفته احمد، کارگر چابهار ی سال‌ها پشت میله‌های زندان رنج مضاعف را تحمل کند؟ چرا وقتی فرصت کار را آن هم صدها و هزاران کیلومتر آن‌سوتر پیدا می‌کند، با ریاضتی وصف‌ناشدنی با روزی دو هزار تومان گذران خود و خوراک کند؟ از خود می‌پرسیدم این جماعت در دو، سه ماهی که اینجا بودند و روزی دو هزار تومان خرج خورد و خوراک آنها شد، آیا در فقر مطلق کالری به سر نمی‌بردند؟ آیا حداقل حرمت انسانی آنها در کشوری که خانواده همه نعمات انسانی دلاری را در خاک آن به ودیعه گذاشته ا‌ری داشته می‌شود؟ باید فکری به حال مناطق توسعه‌نیافته کشور کرد. صحبت از اینکه فلان کشور و گروه باعث انحراف جوانان منطقه شده است ساده است؛ باید از خود پرسید برای اینان چه کردیم تا به راه خلاف کشیده نشوند؟